

سرمقاله

نوبت پارلمان هم رسید

محمد رضا هویدا

کابینه دولت وحدت ملی اعلام شد. بیش از سه ماه انتظار، هشدار، تعیین مهلت، و... با اعلام کابینه به پایان رسید.

ریاست جمهوری و ریاست اجراییه هر کدام با ۱۲ و ۱۲ کاندید کابینه ای را تشکیل داده اند که از شماری جهات مختصات خاصی دارد که در کابینه های گذشته دیده نشده است. اولی خصوصیت این است که چهره های جدید در این کابینه زیاد است. چهره هایی که در دو دوره گذشته در پست های وزارت کار نکرده اند.

در کشوری که فساد اداری بیداد می کند و مردم دلخوشی ای از دولتمردان و مقامات حکومت کمتر دارند، وارد شدن چهره های جدید خود تغییر بزرگی به حساب می آید. اما در مورد تخصص نامزد وزرا باید گفت که برخلاف آنچه گفته می شد، اکثر وزرا دارای مدارک تحصیلی لیسانس و شماری هم دارای مدرک ماستری و اندک افرادی نیز هستند که مدرک تحصیلی دکوترا دارند که خود غنیمتی است.

به هر صورت کار حکومت به پایان رسید و نمایندگان از همین اکنون می دانند که توپ در زمین آنها است و آنها هستند که می توانند ادامه این بازی را تعیین کنند. پارلمان در گذشته کارنامه چندین درخشانی در این زمینه ندارد و در دو دوره گذشته همواره مشکلات بسیاری زیادی در این قسمت داشته است.

پارلمان به وضوح به وزرا بر اساس قومیت و سمت و لسان شان رای داده است و در دوره های گذشته همین مشکل بود که باعث شد شمار زیادی از وزرات خانه ها برای ماه ها توسط سرپرست ها اداره شوند.

پارلمان که خود منتقد حکومت و ناظر بر اعمال و رفتار حکومت است، اکنون باید نشان دهد که چگونه به وظایف خود عمل می کند و می تواند از این امتحان موفق بر آید.

پارلمانی که تا اکنون نتوانسته معضل غیر حاضری های ممتد و کلای خود را حل کند، اگر بتواند، با فایق آمدن بر قوم و جناح و سمت و زبان، تنها به تخصصی و شایستگی و تعهد نامزد وزرا رای دهد، و سرره را از ناسره تشخیص کند، واقعا شایستگی و لیاقت خود را نشان داده است.

تسرس مردم از این کم اکثر اعضای پارلمان نتوانند از مرزهای تنگ و محدود کننده بگذرند بجا است. از همین جهت بارها مردم زخم خورده اند.

از همین جهت بوده که وقتی وزیر سلب صلاحیت شده، چند روز بعد بوده که در وزارت دیگری نامزد شده و رای اعتماد گرفته است.

از همین جهت بوده که نمایندگان بارها وزرا را احضار کرده اند ولی هیچ دستاوردی نداشته اند. از همین جهت بوده که در دوره کمپاین صحن مجلس همشیه خالی بوده و از همین جهت بوده که بعضی از قوانین سالها در پارلمان مانده و نتوانسته به تصویب برسد.

اعضای پارلمان در مسند قضاوت و رای دادن نشستند اند. خود اعضای پارلمان با قضاوت و رای مردم به این مکان راه یافته اند تا وکیل مردم باشند. لذا باید به وظیفه خود عمل کنند و برای شاید اولین بار نشان دهند که می توانند به تعهد و تخصص و لیاقت و شایستگی رای دهند.

به گفته معروف «از کوزه همان برون تراود که در اوست». کابینه گذشته نتیجه رای و کلا بوده است. کابینه بعدی نیز نتیجه رای و دقت نظر و کلا خواهد بود.

مردم افغانستان، انتخابات سختی را پشت سر گذرانده اند و بیش از سه ماه انتظار نیز کار سختی است، حد اقل چیزی که می توانند بدان امیدوار باشند این است که پارلمان بتواند هر چه زودتر مسئله رای به وزرا به پایان برساند و در نهایت افراد متعهد و شایسته و مدیر و مدبر را انتخاب نماید.

بعد از گذشت صد و ده روز از آغاز به کار حکومت وحدت ملی، دیروز کاندید وزیران بیست و پنج وزارت از سوی حکومت اعلام شد. حکومت وحدت ملی در حالی نام این کاندید وزیران را اعلان نموده که با چند التیماوم مجلس نمایندگان را پشت سر گذاشت. در عین حال، شهروندان افغانستان نیز از معرفی نشدن کابینه دلخور و آزرده خاطر بودند. تحلیل گران نیز بدین باور بودند که رکود اقتصادی، افزایش انحرافات اجتماعی، افزایش ناامنی و ... ربط و نسبت مستقیم با اعلان نشدن کابینه از سوی حکومت وحدت ملی دارد. حال که حکومت کاندیدان خود را برای وزارت خانه ها اعلان کردند، حالا باید منتظر رای اعضای مجلس نمایندگان بود. اگر اعضای مجلس نمایندگان به افراد معرفی شده رای بدهند کابینه جدید کار خود را آغاز خواهد کرد و این زمستان بهار کاری کاندیدان جدید خواهد شد.

حال این سوال پیش می آید که اشرف غنی احمدزی تا چه اندازه توانسته است افای به عهد نماید. او سخن از اصلاحات و تشکیل کابینه تخصصی زده بود. آیا افراد معرفی شده قادر به آوردن اصلاحات است. آیا رئیس جمهور می تواند به این تیم کار نماید. در این نوشتار همین مسئله را به بررسی می گیریم. آوردن اصلاحات به صورت مستقیم پیوندی با منافع شبکه های قدرت و ثروت در افغانستان دارد. اگر اصلاحات منافع شبکه های قدرت را تهدید نماید به احتمال زیاد اصلاحات به شکست مواجه خواهد شد و اشرف غنی قادر به آوردن اصلاحات نخواهد بود. اما کابینه جدید نشان می

دهد که اشرف غنی توجه به این مسئله داشته است. افراد جدید نشان می دهد که اشرف غنی قدرت سیاسی را میان شبکه های مختلف تقسیم نموده است. در لیست اعضای کابینه افرادی از شبکه های مختلف دیده می شود. اشرف غنی در تیم خود تمام شبکه های را در زمان انتخابات به قدرت جمع نموده بود، سهیم قدرت نموده است. به دوستم معاون اول، به دانش معاون دوم، به سید منصور نادری بانک رای خود، به حزب حق و عدالت سهیم داده است. همه این ها بیانگر آن است که اشرف غنی تا حدودی به مسئله شبکه های قدرت و ثروت توجه نموده است.

در تیم مقابل، عبدالله عبدالله به محمد متقی و خان محمد سهیم داده است ولی تا هنوز معلوم نیست که سهیم افرادی همانند زلمی رسول و سیاف و اسماعیل خان چگونه است. گفته می شد که وزارت معتمد عامه سهیم عبدالله عبدالله بود و رئیس اجرائیه آن را به زلمی رسول داده بود و زلمی رسول آن را به حبیبیه سربانی حواله کرده بود و حبیبیه سربانی از جنتر محقق یک نفر معرفی نموده بود. تا هنوز سهیم سیاف و اسماعیل خان در تیم عبدالله عبدالله مشخص نیست. سیاف و اسماعیل هر کدام برای خود شبکه دارد. نفوذ اسماعیل خان در هرات انکار ناپذیر است. همچنین نفوذ سیاف در میان طبقه سنتی جامعه پشتون.

با این حال، شبکه های مهم قدرت و ثروت در تشکیل کابینه سهیم دارد و این دورنمایی آینده حکومت وحدت ملی را با ثبات نشان می دهد. اما اینکه اشرف غنی با این افراد می تواند اصلاحات بیابرد مسئله دیگری

معرفی اعضای کابینه و دور نمای حکومت وحدت ملی در آوردن اصلاحات

علی قادری



است. اشرف غنی در صورت قادر به آوردن اصلاحات خواهد بود که دو کار مهم و اساسی را روی دست بگیرد. اول: اشرف غنی در روز های اول کاری خود شتاب زده و آنی کار می نمود و این گونه کار نه تنها به اصلاحات نمی انجامد بلکه حکومت را شکست مواجه می سازد. زیرا، حرکت های این چنین گیرنده های حسنی شبکه های قدرت را تحریک می کند. بنابراین، برای آوردن اصلاحات به صورت تدریجی عمل کرد. اصلاحات تدریجی حساسیت کمتر بر می انگیزد و ممکن گیرنده های حسنی شبکه های قدرت کمتر از دگرگونی ها آگاه گردد و کمتر اصلاحات را در تضاد با منافع سیاسی و اقتصادی خود حس کنند. دوم: آنچه مهم و اساسی نگرفته است. اعضای کابینه با جوان در بدنه نظام سیاسی کشور است. اصلاحات زمانی ممکن می گردد که اشرف غنی بتواند نسل جوان را وارد ساختار نظام کند.

نسل جوان که کمتر جذب شبکه های قدرت شده است و اگر هم جذب شبکه قدرت شده است در حاشیه های این شبکه سیر می کند. این نسل می تواند اشرف غنی را در آوردن اصلاحات کمک کند. اشرف غنی با این کار، می تواند شبکه های قدرت و ثروت را تضعیف سازد. بنابراین، تا زمانی که اشرف غنی از نسل جوان کاری نگیرد و اصلاحات را تدریجی نسیازد امکان هر گونه اصلاحات مردود است و با شکست مواجه خواهد شد.

اشرف غنی اما، در آوردن اصلاحات با یک مشکل دیگر نیز مواجه می باشد و آن عدم کابینه یک دست است. واقعیت این است که رئیس جمهور اشرف غنی به تنهایی اعضای کابینه را به معرفی نسیازد است. اعضای کابینه با همکاری شبکه های قدرت ممکن گردیده است. هر یک از کاندید وزیران ملزم است که به چند نفر گزارش کاری بدهد و از چند نفر دستور بگیرد. همین مسئله اشرف غنی، رئیس جمهور را در آوردن اصلاحات با دشواری مواجه می سازد. اما آنچه مایه امیدواری است این است که اشرف غنی در کابینه حکومت متخصص و تحصیل کرده می تواند نقش مهمی ایفا کند. این افراد می توانند نقطه اتکای اشرف غنی در آوردن اصلاحات محسوب شود. زیرا، افراد متخصص و تحصیل کرده خود به دنبال اصلاحات و نوآوری است. تنها نقطه ای که اشرف غنی را در آوردن اصلاحات کمک می کند همین چند فرد متخصص و تحصیل کرده است که سهم چندانی از شبکه های قدرت ندارند. رهبران جهادی ندارند. بنابراین، اشرف غنی، باید تلاش زیاد نماید تا این افراد تحصیل کرده و متخصص بتواند از مجرای مجلس نمایندگان عبور نماید. اشرف غنی، قسم اول را خوب

برداشته است ولی نتیجه قدم اول او تا حدودی زیادی بیستگی به قدم دوم او یعنی حمایت قاطع از وزیران تحصیل کرده و متخصص دارد تا این وزیران با حمایت او بتواند از مجلس نمایندگان رای بگیرد. در پایان این نوشتار باید گفت که با توجه به تقسیم قدرت میان شبکه های قدرت، دورنمایی حکومت وحدت ملی مثبت می نماید ولی در آوردن اصلاحات اشرف غنی با مشکلات مواجه می باشد این مشکلات را می تواند از طریق چابایی نسل جدید و جوان در بدنه نظام سیاسی و حمایت از وزیران تحصیل کرده و متخصص بر طرف نماید و اصلاحات که وعده داده را به وجود آورد. اما در صورت که اشرف غنی شتاب زده عمل کند و توجه به نسل جوان نماید و با وزیران تحصیل کرده کار نمایند دورنمایی حکومت او چندان تفاوت با حکومت کرزی نخواهد داشت.

طالبان؛ قدرت انحصاری یا مشارکتی؟

عبدالرحمن هپیمی

سیاسی جهانی رقم نخورده و آمریکا و متحدان آن جهت برچیدن آن گروه نمی شافتند، شهروندان کشور به ستوه آمده و آن گونه که در برابر حکومت کمونیستی به پا خواستند، در برابر اسارت این گروه نیز به پا می خواستند.

پس از این که حامد کرزی در انتخابات سال ۱۳۸۸ مجدداً به قدرت رسیده و رییس جمهور شد، بحث گفت و گوی سیاسی با گروه طالبان و در کنار آن حزب اسلامی را به صورت جدی پیش کشیده و مطرح کرد. به

زودی جرگه آن بزرگان قوم و برخی نخبگان سیاسی - فرهنگی برگزار شده و به تلاش های سیاسی کرزی جهت آغاز گفت و گوی سیاسی با طالبان مشروعیت بخشید. کرزی راه های متفاوتی متعدد را به آزمون گرفت، اما هیچ کدام نتیجه ملموس نداده و نتوانست او را به هدف وصل کند. برادر جان و طالب چنان خطاب کرد، «متعدد را به عفو عمومی اعلام کرده و تأکید کرد که در صورت که رهبران طالبان سلاح های شان را کنار گذاشته و به زندگی عادی بپردازند، هیچ گونه بی گره عدلی و قضایی مطرح نیست و حتی بحث سهم دهی در کابینه را نیز مطرح می نمود.

حالا پس از کرزی، محمد اشرف غنی که در راس حکومت وحدت ملی قرار دارد، ظاهراً همان راه های را که کرزی پیمود و نتیجه نداد، می رود و می پیماید. کتب و گفت های مطرح است که انگار یکی از علل تاخیر در اعلام و معرفی کابینه، گفت و گوی سیاسی با گروه طالبان و احتمال سهم دهی به آن هاست. گرچند ریاست جمهوری این گپ و گفت ها را رد کرده و بی بنیاد می خواند، اما گفته می شود که وزارت خانه های احیاء و انکشاف دهات و حج و اوقاف و برخی از ولایت های جنوبی به گروه طالبان پیشنهاد شده است. حتی نام برخی از مقام های سیاسی آن گروه منتشر شد که گویا آقای غنی تمایل داشت این آقایان: مولوی و کیسل احمد متوکل و یکی دو چهره از گروه طالبان و غیرت بهیر شوهر دختر گلبدین حکمت یار از حزب اسلامی، با او به عنوان مهره های حکومتی کار کنند.

ولی گزارش های که در پیش روی پرده سیاست و در معرض دید رسانه ها منتشر شد، گروه طالبان، طرح و پیشنهاد آقای غنی را رد کرده اند. با عنایت به این بحث که مطرح شد، پرسش اصلی که می شود طرح کرد این است که: عمل اصلی کنار نیامدن گروه طالبان چیست؟ آیا گروه طالبان، به دنبال شراکت در قدرت سیاسی هستند و یا انحصار قدرت؟

حکومت با همان ساختار و تشکیلات می رزند و تلاش می کنند. در پی رقم زدن فضای سیاسی هستند که فرصت نفس کشیدن برای سیاستمداران دیگر گروه های قومی و حتی سیاستمداران پشتون تبار اما خارج از حلقه گروهی خودشان نباشد. این امر را انحصار و قبضه قدرت می نامند.

طالبان و مشارکت ملی

طالبان در دوران امارت در راستای انفضال ملی تلاش کرده و گام های



مهم را برداشتند. همان طور که مطرح شد، در ساختار تشکیلاتی امارت، حتی یک مهره درشت از دیگر گروه های قومی غیر پشتون به چشم نمی خورد، و در عمل، فشارهای سنگین و گذشته از فشار، ترازدهی های را خون بار را رقم زدند. در طول سیزده سال گذشته نیز، رفتارهای از طالبان به چشم نمی خورد که حکایت گر رویکرد ملی

سیاسی باشد که افغانستان مشکل از گروه های قومی متعدد است و باید همه این ها در سیاست و زندگی سیاسی سهم داشته باشند. از این رهگذر، طالبان در پی رقم زدن نظم سیاسی هستند که نه تنها گروه های قومی غیر پشتون، جایگاه در ساختار قدرت و زندگی سیاسی نداشته باشند، بلکه در زندگی اجتماعی نیز به شهروندان عادی مربوط بدان قوم ها، فشارهای نفس گیر اعمال گردد.



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سر مقاله یانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد. روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است. www.dailyafghanistan.com Email: thedailyafghanistan@yahoo.com